

فدرالیسم در ایران ؟!!!!

تعریف فدرالیسم و مفهوم کلی و معمول آنرا بتوان برای عموم مردم در تمامی سطوح فکری عنوان نمود تا قابل درک همگان باشد، میتوان آنرا بصورت زیر بیان نمود.

فدرالیسم به مفهوم خودگردانی اداره کلیه امور مربوطه در منطقه یا استان و یا ایالت محل سکونت مردم بومی آن منطقه با توجه بر وضع و تصویب و اجرای قوانین داخلی جدا از حکومت مرکزی در مجلس محلی استان یا منطقه و یا ایالت اتلاق میگردد.

قدر مسلم اداره کلیه امور البته نه به مفهوم سیاست کلان، زیرا سیاست کلان را همچون امور اقتصادی، تقسیم ثروت حاصله از درآمد کل کشور در زمینه های مختلف اقتصادی، سیاستگزاریهای کلی داخلی و خارجی کشور و همچنین اداره ارتش و آموزش و پرورش و تامین رفاه و آسایش و امنیت کلیه شهروندان (بر اساس قوانین مورد نظر) یعنی سیاست کلان محسوب میگردند که در حیطه مسئولیت دولت مرکزی میباشد .

چنین تعریف یا توضیحی، در بر گیرنده چکیده ای از همه تعاریف مبسوط و گسترده آن با بیان روشن و واضح و در کمال سادگی آن میباشد که بیان گردید، ولیکن قدر مسلم نیاز به توضیحات لازم و کافی می باشد تا بتوان دستاورد بهتری از مفهوم آنرا کسب نمود.

این عنوان خود، نمودار ارائه شکل و ساختار سیستم حکومتی است که برخی از کشورها، همانند آلمان و ایالات متحده آمریکا که در سده ها پیش بصورت یک کشور واحد و یکپارچه نبوده بلکه هر منطقه ای با یک سیستم حکومت محلی امیر نشین اداره میشده است در برمیگیرد.

اساسا در آن زمان کشوری در مفهوم و پهنه و گستره جغرافیایی (ژئوپلیتیکی) آن، همانند آلمان کنونی وجود نداشته است و در نتیجه این مناطق امیر نشین یا خود مختار (بعبارتی دیگر و بر اساس فرهنگ و آرگان ایرانی، همان ملوک الطوائفی) همواره مورد تهاجم و اشغال کشورهای قدرتمند دیگر اعم از سرزمینهای همسایه یا فراتر قرار میگرفته اند و یا کشوری همانند

امریکا، در آن زمان هر منطقه ای همواره مورد حمله و تجاوز قدرتهای محلی دیگر قرار میگرفتند میتوان اتلاق نمود. در نتیجه روسای این مناطق، بخاطر اینکه از این تجاوزات و اشغالگریها در امان باشند، لازم دیدند که قدرت سیاسی و هم چنین قدرت نظامی خود را با ایجاد یک اتحاد از طریق ایجاد یک اتحادیه بزرگ مناطق، تحت عنوان یک کشور واحد فدرال ولیکن دارای خود مختاری برای هر ایالت یا منطقه که هر منطقه خود، دارای یک مجلس (پارلمان) محلی بوده و همچنین قوانین محلی نیز در هر منطقه قدرت اجرایی لازمه را دارا بوده باشد ایجاد نمایند، اما از ارتش یکپارچه در برابر تهاجمات کشورهای قدرتمند دیگر خود را پدافند می نمایند و همچنین اقتصاد کلان و سیستم اداری آموزش و پرورش سرتاسری و سیاست کلان کشور و منافع ملی واحد و زبان رسمی یا اداری واحد در سرتا سر کشور در جهت حفظ یکپارچگی و تمامیت ارضی آن کشور فدرال را دارا میباشند تشکیل گردد. در نهایت، دارا بودن یک حکومت قانونمند بر پایه قوانین عرفی (قوانین غیر مذهبی) معقول و متعارف و بروز شده و همچنین بر اساس منشور حقوق بشر لازمه وجود چنین کشوری میباشد تا بتوان یک سیستم حکومت غیر متمرکز را ایجاد نمود.

در واقع، ایجاد یک سیستم حکومتی تحت عنوان عدم وجود تمرکز قدرت در دولت مرکزی میباشد که با در اختیار گذاردن مسئولیت اداره هر منطقه یا استان و یا ایالت به مردم بومی آن منطقه، بر حسب لیاقت و شایستگی و تخصص و مهارتهای علمی- تکنولوژیکی و صنعتی و با توجه بر در نظر گرفتن یا بوجود آوردن امکانات در تمامی زمینه ها جهت پیشرفت در نظام اداری آن منطقه، بر پایه و اصول و مبانی متعارف قانونی و در نظر گرفتن همه اصول و مبانی حقوق انسانها با هر عقیده، طرز تفکر یا اندیشه، و باورمندی در ایجاد نظم در اداره تمامی امور منطقه یا استان و یا ایالت و در تمامی ابعاد آن میباشد.

جهت گشودن این بحث یا مطرح نمودن چنین موضوعی، بهترین نمونه آن، میتوان ایران را در نظر گرفت که برخی از هم میهنان، موافق چنین سیستم حکومتی بوده و برخی دیگر مخالف آن میباشند.

جهت دست یافتن به چنین سیستمی لازم است که همه محاسن و معایب آنرا بدرستی مورد تجزیه و تحلیل و تحقیق و مطالعه جامعی قرار داد تا در نهایت با کسب آگاهی و دانش لازم پیرامون این امر بسیار مهم، شناخت کاملی بدست آورد تا بتوان خود را در برابر آسیبهای احتمالی وارده در آینده حفظ نمود.

1- دیدگاه موافقین فدرالیسم :

سیستمی ایده آل و متحول و پیشرفته می باشد که جامعه یا مردم بومی آن منطقه را از بی تفاوتی و فرار از مسئولیت و یا عبارتی دیگر، بی مسئولیتی خارج نموده و حس و اندیشه سازندگی و نهایتاً " اداره آن استان یا ایالت را با کوشائی فراوان بعهده گیرند و با ایجاد جاذبه و پذیرش مسئولیت در صحنه سیاسی - اجتماعی - اقتصادی - آموزشی - فرهنگی - صنعتی و تکنولوژی - بهداشت و زمینه های دیگر، یک رقابت مثبت و سازنده در برابر سایر استانها و یا ایالتها قرار داده و در نتیجه در این راستا با کوشش و تلاش در امر آبادانی و سازندگی و پیشرفت در تمامی زمینه های فوق الذکر، نهایت تلاش خود را مبذول داشته تا بعنوان نمونه و الگو برای سایر استانها معرفی گردد، همانگونه که در المان و یا بصورتی در امریکا، ما خارج نشینان شاهد آن میباشیم .

در این نوع سیستم، قدر مسلم در پاره ای از موارد در این مناطق خودگردان، نیازی به کسب دستوراز دولت مرکزی نداشته و بر حسب موقعیتهای اقلیمی - فرهنگی بومی و شناخت لازم نسبت به سایر موارد مختلف، خود راساً اقدام مینمایند و عبارتی دیگر سرنوشت و آینده خود را خود مردم بومی با توجه بر کسب مسئولیت در رده های مختلف اداری - حرفه ای و تخصصی بعهده میگیرند.

2- دیدگاه مخالفین فدرالیسم :

2- از دیدگاه مخالفین چنین سیستم حکومتی، میتوان معایب مختلفی را بر شمرد که بشرح زیر میباشند.

2-1- ایران کشوریست یکپارچه و با توجه بر سابقه تاریخی آن از چندین کشور یا منطقه و ایالت امیر نشین تشکیل نگردیده است که بتوان اکنون آنرا بصورت یک سیستم فدرالی اداره نمود.

2-2- بدلیل وجود برخی از ایرانیان مرز نشین بومی، که خواهان جدائی منطقه یا استان محل زندگی یا زیست محیطی خود میباشند، خود یک معضل کاملاً روشن و بارز در امر تجزیه بخشی از خاک کشور خواهد بود که این نوع طرز تفکر و ایده، عامل نابودی یکپارچگی و تمامیت ارضی ایران تلقی میگردد.

2-3- بدلیل وجود تیره ها و تبارها و شاخه های مختلف محلی- منطقه ای در پهنه و گستره ایران، این خطر وجود دارد که سایر مردم بومی یا مرز نشین در استانهای دیگر، به تبعیت از جدائی خواهان منطقه یا مناطق مختلف دیگر، سر به شورش گذارده و اقدام به تجزیه کامل ایران نمایند که این امر دقیقا به یکپارچگی ایران لطمه وارد خواهد آورد و در این راستا در واقع بمتابه آب به آسیاب دشمنان ایران سرازیر نمودن است و خود را نیز تحت سلطه بی چون چرای قدرتهای استعماری یا بعبارتی دیگر دشمنان ایران قرار دادن است.

2-4- ایران کشوریست با تاریخ و تمدنی بسیار کهن که از نقطه نظر تاریخی ارزش بسزائی داشته و در ضمن با توجه بر موقعیت جغرافیاسی (ژئوپلیتیکی) در جهان که دروازه شرق و غرب محسوب میگردد و با توجه بر ثروت سرشار و غنی زیر و روی زمینی آن، همواره مورد توجه ویا بعبارتی دیگر میتوان گفت مورد حسد منفعت جویان و مافیای قدرتهای اقتصادی جهانی جهت چپاول قرار گرفته که در این راستا طبعا بنا بر وجود نیروهای انسانی خودی ولی تجزیه طلب، پیرامون بدست آوردن چنین ثروت سرشار، راه خود را هموار دیده و با فریب این نیروها و شستشوی مغزی آنان با تبلیغات پر طمطراق و وعده های پوشالی و توخالی از قبیل بر گزیدن آنان بر مسند قدرت، تحت عنوان رئیس جمهور یا حکمران منطقه، تجزیه ایران را هموار نموده و در نتیجه به نابودی ایران ختم خواهد گردید.

2-5 یکی از نکات مهمی که در رابطه از اهمیت ویژه ای برخوردار است، خواسته های برخی از طرفداران فدرالستها مبنی بر اینکه آموزش در هر یک از این مناطق باید به زبان یا گویش محلی یا منطقه ای صورت گیرد. این نکته دقیقا" جدا سازی و بیگانه نمودن و ایجاد فاصله بین ایرانیان و در نهایت یک جدا سازی کامل آموزشی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی که فرایند حاصل از چنین اندیشه های همانا، تبدیل ایران به ایرانستان خواهد بود.

2-6 تقسیم کشور یا فدرالیسته نمودن ایران که در منطقه خاورمیانه نقش بسیار مهمی را از نقطه نظر استراتژیکی ایفا میکند برابر خواهد بود با از بین بردن قدرت سیاسی کشور در برابر کشورهای دیگر، بویژه قدرتهای استعمارگری که از این رهگذر، هدفشان، هر چه بیشتر به استعمار درآوردن سرزمینهای تکه پاره شده ایران خواهد بود که مردم این مناطق دقیقا" تحت استثمار قدرتهای نه تنها بزرگ که تحت استثمار حکمرانان منطقه ای که تشکیل مافیای قدرت خواهند داد قرار خواهند گرفت.

نگاهی داشته باشیم به کشورهای تکه پاره شده یوگسلاوی متحد الشکل سابق که با چه سیاستهای غیر انسانی، آنرا به کشورهای کوچک و فاقد قدرت سیاسی و اقتصادی (البته با جنگ افروزیها و ویران نمودن بسیاری از مراکز و منابع اقتصادی آن) در اروپا که در واقع امروزه نیازمند یاریهای اقتصادی فراوان از اتحادیه اروپا می باشند. لازم است که توجه گردد آیا در سابق که یوگسلاوی یک قدرت بالقوه خطرناک و بزرگی در اروپا، بویژه منطقه بالکان از نظر سیاسی بوده، چگونه آنرا با از هم جدا نمودنش یا بعباری، با تکه پاره نمودنش، به سرزمینهایی بسیار ضعیف تبدیل نموده اند.

راه حل پیشنهادی:

هنوز برخی از مردم ایران، آموزه های لازمه پیرامون وحدت ملی- یکپارچگی کشور- شناخت واقعی هویت ملی میهنی و مفهوم واقعی میهن پرستی و یا میهن دوستی را کسب ننموده اند و یا باورمند نمی باشند و مضافاً بر آن، از سیاستگزاریهای دوول خارجی که خود آنها تحت سلطه قدرتهای اقتصادی (بزرگ سرمایه داران کشورها) که بنوعی بدلیل کسب منافع بیشتر اقتصادی، سیاستهایی را بر دولت متبوعه خود تحمیل مینمایند و با بکار گیری سیاستهایی همچون گلوبالیزه کردن در زمینه های مختلف، در پهنه و گستره این کره آبی- خاکی، بتوانند بیشترین بهینه را در راستای بدست آوردن منافع بیشتر در نظر گیرند.

در نتیجه، نخست لازم است که همه ایرانیان در زمینه های اشاره شده در بالا ، آگاهیهای لازمه را کسب نمایند تا ما خود را مسلح به سلاح آگاهی پیرامون سیاست جهانی، بویژه سیاستگزاریها یا استراتژیهای کشورهای قدرتمند و همچنین قدرتهای اقتصادی استعمار گر و سیاستهای متخذه از طرف دشمنان ایران بنمائیم و میزان ضربه پذیری و آسیب دیدگی را به نقطه صفر یا به حد اقل رسانده تا حفظ یکپارچگی و تمامیت ارضی کشور را تضمین نمائیم که در این باره، جامعه ایرانی نیازمند به یک رنسانس فرهنگی تمام و کمال توسط ایرانیاران و کارشناسان و متخصصین در این زمینه میباشد، در غیر اینصورت نه تنها هیچ سود و بهره ای از این اقدام (سیستم فدرالیسم) نخواهیم برد، بلکه این امر خود، یک خودکشی سیاسی و در نهایت، با دست خود ایران را به ورطه نابودی نزدیک خواهیم نمود.

آن دسته از ایرانیانی که در کشورهای پیشرفته ای همانند آلمان یا امریکا و سایر کشورها بسر میبرند و بوق فدرالیسم را بدون توجه به میزان معیارهای

فرهنگی و تاریخ و دلایل فدرالسیته شدن این کشورها بصدا در میاورند را مد نظر نگرفته و یا مطالعه جامعی از تاریخچه فدرالیتته شدن جامعه محل سکونتشان را ندارند و در نتیجه، این بوق تبلیغاتی را بصدا در آورده و در واقع بنوعی آب رابه آسیاب دشمن سرازیر نموده و یا بعبارتی دیگر، با تمهیداتی، جاده یا مسیر حرکت دشمنان ایران را جهت نابودی ایران هموار مینمایند.

هم میهنانیکه طرفدار تشکیل سیستم فدرالیسم میباشید، نگاهتان را به میزان آگاهی و دانش و معیار فرهنگی و میهن دوستی ایرانیان معطوف داشته تا عامل آن نگردید که جنگی خانمان سوز، شعله های آتش آن را به تمامی هستی و موجودیت ایران و ایرانی بکشانیم و در نهایت منجر به تجزیه و نابودی ایران و فلاکت و تیره روزی، بیش از این دچار نگردیم، بلکه نخست تلاشمان را در راه نجات و رهائی این مام میهن معطوف نمائیم.

هم میهنان گرامی، امروزه پشت واژگان فدرالیسم، اتییک و غیره، ترفندها و سیاستهای غیر انسانی و خطرناکی نهفته است که شوربختانه آندسته از هم میهنانی که با آواز بلند چنین واژگانی را سر میدهند و در اذهان و افکار شهروندان ایرانی با روشهای متفاوتی می باوراندند، یا میزان آگاهی آنان در حد مطالعه طوطی واری میباشد که چنین مفاهیمی را از لابلاى برگه های کتب و نوشته های مختلف دریافت نموده اند و همچنین بدون توجه بر موقعیت جغرافیسی (ژئوپلیتیکی) کشور ایران، بویژه در منطقه و اهداف شوم سیاستگزاران و طراحان پروژه های نابودی کشورها (بخوانید کوچک نمودن وسعت جغرافیائی این کشورها همچون، سوریه، عراق، ایران، ترکیه، اردن و در نهایت عربستان سعودی) در منطقه خاورمیانه که نهایتا تلاششان ایجاد یک کشور با وسعت جغرافیائی جدید و قدرت مطلق سیاسی نظامی در منطقه میباشد تا همه این کشورها را تحت سلطه و فرمانبرداری خود قرار دهد، کشوری که قدرتهای سلطه گر جهانی در راستای رسیدن به هدف خود از چنین کشوری البته از دیدگاه آنان سوگلی منطقه مینامند، پشتیبانیهای مالی و اقتصادی فراوان و بیکران مینمایند تا به هدف خود نایل آیند.

در نتیجه باز تکرار مینمایم، آنانیکه امروزه بوق فدرالیسم را با شدت هر چه بیشتر بصدا در میآرند، یا از سیاستهای پشت پرده بی خبرند و یا شوربختانه اینان بنوعی با تمهیداتی، ریگی در کفش دارند.

آموزش هم میهنان در پروژه ها و طرحها و برنامه ریزیهای آموزش فرهنگی یا عبارتی دیگر رنسانس فرهنگی ایرانیان پیرامون ایرانگرایی میباشد، پس لازم است که در ابتدا تلاشمان در زمینه فراهم نمودن چنین امکاناتی جهت رسیدن به ایده آلهای معقولانه، نه آرمانگرایانه بدور از تواناییهای موجود باشد، سپس اقدامات یا سیاستگزاریهایی را بر اساس تواناییها و امکانات و بهره گیری از وجود پتانسیلهای موجود اتخاذ نمود و به مرحله اجرا گذارده تا بتوان بهترین و بیشترین بهینه لازمه را کسب نمود.

پس از تغییر نوع سیستم (سرنگونی - برکناری) حکومت وارداتی و واپسگرا و مذهبی در ایران و بروی کار آمدن یک حکومت دمکراتیک و لائیک و قانونمند که بر پایه حاکمیت مردم و حکومت قانون تشکیل خواهد گردید، لازم است اقدامات فوری و اساسی در زمینه های مشروحه زیر انجام پذیرد تا مردم، بویژه مردم مناطق مرز نشین کشورمان که همواره در محرومیت بسیار بسر میبرند از چنین وضعیت نا خوشایند و رنج آوری نجات یابند.

1 - رفاه: در تمامی نقاط ایران، بویژه مناطق محروم و همچنین استانهای مرزی، کلیه امکانات پیرامون رفاه اعم از مسکن، بهداشت و درمان، آموزشهای سیستماتیک در تمامی سطوح آموزشی و آموزه های حرفه ای و تخصصی بطور رایگان را دارا گردند.

2 - آموزش زبان مادری (نه آموزش به زبان مادری) یا گویش محلی و ادبیات و فرهنگ و هنر و آداب و رسوم آنان در مدارس.

3 - آسایش: در امر پشتیبانیهای مالی برای فرد و خانواده تا کسب یک فرصت کاری یا شغلی البته پس از آموزش حرفه ای و تخصصی لازم در رابطه با تامین معیشت زندگی در حد استاندارد و بروز هزینه های متعارف زندگی هر فرد، تا فرد و همچنین خانواده از دغدغه های ناشی از بیکاری و عدم تامین زندگی در امان باشد.

4 - امنیت تمامی شهروندان در تمامی زمینه های مربوطه تا بتوانند آرامش خود را در سایه امنیت دارا شوند.

5 - حقوق کلیه شهروندان: ارائه تمامی حق و حقوق انسانی بطور یکسان برای همه مردم در تمامی پهنه و گستره ایران.

6 – ارائه آگاهی و اطلاعات اساسی و مهم پیرامون ایرانگرایی و میهن دوستی و آگاهی و آشنائی با هویت ملی و میهنی و همچنین شناخت نسبتاً کامل پیرامون سیاستها و سیاستگزاریهای جهانی بویژه ترفندها و خط مشی های سیاسی و اهداف قدرتهای بزرگ و استعماری در جهان را از طریق رسانه های گروهی، همچون دیداری (تلویزیون) - گفتاری و شنیداری (رادیو) - نوشتاری (جراید مختلف) و قدر مسلم بدلیل پیشرفت علم و تکنیک، اینترنت و امکانات تکنیکی و تکنولوژیکی مختلف دیگر، بطور مستمر در اختیار تمامی هم میهنان لازم است که قرار داده شود.

داریوش (حسن) درشتی: آلمان

بتاریخ: 28.08.2019